

# تهدید جمهوری اسلامی

لوس انجلس تایمز 12/01/2011 نویسنده ماکس بوت ترجمه کامبیز باسطوت

info@iranpolitics

در نگاه به گذشته، تقریباً درک ضعف در برابر کردار تجاوز کارانه و بخشیدن آنرا غیر ممکن میکند. چرا غرب آنچنان کار انکی انجام داد درحالیکه نازی ها در دهه 1930 در حال قدرتمند شدن بودند؟ و در حالیکه اتحاد شوروی در دهه 1940 نیمی از اروپا را به بردگی کشید و برانگیزنده انقلاب در چین بود؟ و دوباره درحالیکه القاعده در دهه 1990 نیروی خود را افزایش میداد؟ این پرسش ها همواره شهرت رهبران کشورها را از نوئل چمبرلن تا بیل کلینتون دنبال خواهند کرد.

پاسخ به این معما که چرا غرب در خواب بود؟ دریافت پاسخ آسانتر میشود چنانچه ما امروز در باره رابطه مان با ایران فکر کنیم. جمهوری اسلامی از اولین روز تولدش در حال حمله به غرب و به ویژه ایالات متحده بوده است. از همه چیز گذشته کانون شکل دهنده انقلاب 1979 یورش به سفارت آمریکا در تهران بود. به علت گروگان گیری آیت الله خمینی امکان یافت حاکمیت قدرت خود را محکم کند و رهبران میانه رو را از میدان بدر کند. این الهام دهنده مستقیم یورش به سفارت انگلیس در سه شنبه در تهران بود. اگر یکبار تجاوز به مصونیت دیپلماتیک کار کرده باشد چرا دوباره کار نکند؟

سپس در دوران دهه 1980 خمینی و پیروانش در سپاه پاسداران انقلاب برای گسترش نمونه اسلام مبارزه جوی خود کار کردند. آنها پایگاهی برای خود در لبنان برپا کردند، جانیکه عاملان پاسداران و نماینده های حزب اللهی هدف های غربی را با بمب زدند که شامل پادگان تفنگداران دریائی آمریکا، پادگان فرانسوی ها، سفارت آمریکا و تعداد زیادی هدف های اسرائیلی و همچنین گروگان گیری بیشتر از 100 نفر شهروندان اروپائی و آمریکائی بود. همچنین برای بمب گذاری در هدف های یهودی در آرژانتین در 1992 و 1994 و بمب گذاری در برج کوبر پادگان آمریکا در عربستان سعودی در 1996 عناصر پاسدار و حزب اللهی بطور گسترده ای مسئول شناخته شدند.

بیشتر از آن، گزارش گروه 9/11 روشن ساخت که ارتباط قابل ملاحظه ای بین القاعده و رژیم ایران وجود داشته است. حداقل رژیم پناهگاه امنی برای رهبران القاعده فراهم کرده است، که شامل پسر عثمان بن لادن میشود. ارتباطی بین رژیم ایران و 9/11 وجود نداشت، اما بعد از اشغال عراق به رهبری آمریکا، نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب یک مبارزه جوئی فعال را برپا کرد تا پرسنل آمریکائی را بکشد. دهش کشنده رژیم ایران برای یکی از مرگبارترین مبارزات تروریستی در تاریخ شامل فراهم کردن "مواد منفجره نفوذ کننده" است که توانائی سوراخ کردن ضخیم ترین زره ها را داشت و موشک هائیکه بتوانند بلند ترین دیوارها را متلاشی کنند. پاسداران شیعه های افراطی را "و احتمالاً همچنین سنی ها را" در داخل و خارج عراق آموزش دادند. در همین حال رژیم ایران مخفیانه سلاح های هسته ای را فرا میساخت. گزارش هشتم نوامبر سازمان جهانی انرژی اتمی تصویر ویرانگرانه ای را از جایگاه پیشرفته برنامه هسته ای رژیم ایران ارائه میدهد: برخلاف رأی مربوط حاکمان سازمان جهانی انرژی اتمی و گزارش سازمان ملل، گزارش بیان میکند که "رژیم ایران هرگز فعالیت های مربوط به کمال یافتگی اورانیم را معلق نکرده است." رژیم همچنین برای تبدیل کردن مواد هسته ای به اسلحه و موشک های دور برد بروی آنها کار میکند. آموس یادلین، رئیس رکن اطلاعاتی ارتش اسرائیل، سه شنبه گفت که رژیم ایران برای چهار و یا پنج بمب اتمی مواد کافی را دارد؛ تمام آن چیزی که به آن احتیاج است تصمیم به پیش رفتن برای ساختن بمب اتمی است.

با روبرو شدن با چنین تحریکاتی، جامعه جهانی با آسودگی نایابی واکنش نشان داده است. از 1980 تا بحال کنش نظامی جدی بر ضد رژیم ایران امتحان نشده است، دهه ای که با اقدام مصیبت بار نجات گروگان های آمریکائی آغاز شد و با موفقیت بیشتر، اگرچه محدود، با "جنگ نفت کش ها" در 88-1987 در دریای پارس برای جلوگیری کردن از متوقف شدن نفت مورد نیاز جهان پایان یافت.

برای برخورد با تهدید رژیم ایران، بخشی از اتکا غرب به کنش های مخفی بوده است، آنچه نسبت داده میشود، مانند ویروس کامپیوتری استاکس نت، اما بطور کلی برخورد اصلی بروی تحریم بوده است. از سال 1979 واشینگتون رژیم ایران را تحریم کرده است، اما همچنین در تلاش بیمار گونه شکل گرفته ای برای حل اختلافات با رژیم ایران درگیر شده، مانند دولت ریگان و معامله

"اسلحه برای گروگان ها." بعضی گروگان ها آزاد شدند و گروگان های دیگری گرفته شدند. کارتر، ریگان، جورج اچ دبلیو بوش، کلینتون، جورج دبلیو بوش و اوباما تمام آنها به روی رژیم ایران تحریم گذاشتند، از مسدود کردن دارائی ها تا محدودیت مسافرت. اما چه اثری داشت؟

کمبود موفقیت این سیاست میتواند نتنها با ادامه پیش رفت برنامه هسته ای رژیم ایران اما همچنین با میل به انجام دادن کردار بیشرمانه رژیم اندازه گیری شود، که شامل آشکار شدن طرح کشتن سفیر عربستان در واشینگتن در اکتبر و یورش به سفارت انگلستان در این هفته میشود. روشن است که تهران نگرانی در باره واکنش جهانی ندارد و چرا رژیم باید داشته باشد؟ غرب برای برداشتن قدم هائی که پایه اقتصادی رژیم را متزلزل کند تردید کرده است، مانند تحریم بانک مرکزی ایران و تحریم صادرات نفت آن. با اینوجود در این زمان دیر شده، حتی چنین تحریم های سختی هم نمیتواند اتمی شدن رژیم را متوقف کند.

تنها انتخاب معتبر و با اهمیت برای به تأخیر انداختن برنامه اتمی رژیم اسلامی بمباران تأسیسات اتمی است. اما چه کسی میتواند تصور کند رئیس جمهور اوباما کاری را بکند که پیشینیان او نکردند که آغاز جنگ بر ضد آیت الله ها خوانده شود؟ بکار بردن نیروی نظامی، باوجود غوغا کردن واشینگتن در باره بودن تمام انتخاب ها روی میز، یک تهدید معتبر نیست " مگر از طرف اسرائیل" و ملا ها این را میدانند.

سخن کوتاه، سیاست سازان غربی تلویحاً فرضیات یکسانی را امروز میکنند که پیشینیان آنها در دهه های 1930، 1940، و 1990 کردند: که از یک جنگ بیدرنگ، حتی جنگی که در شرایط مناسب باشد، باید بیشتر ترسید تا از فاجعه ای در حال شکل گرفته شدن که احتمال دارد در آینده ای نامعین و نه چندان دور اتفاق بیفتد. با روسیه استالینی آن یک تصمیم گرفته شده درست بود؛ در مورد آلمان هیتلری و القاعده و طالبان آن یک فکر غلط فاجعه بارانه بود.

بعد از کوتاهی کردن برای متوقف کردن هیتلر و بن لادن، گفته شد غربی ها از "ناتوانی تخیل شان" رنج میبردند. همچنانکه ما از روبرو شدن با افزایش تهدید جمهوری اسلامی کوتاهی میکنیم ما هم امروز از ناتوانی یکسانی رنج میبریم.